

از سازگارگرایی تا ضدسازگارگرایی خداباوری و تکامل داروینی: بررسی و نقد چهار دیدگاه

سیدحسن حسینی^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۲۸

چکیده

در این مقاله، با ارائه یک دسته‌بندی چهارگانه از معتقدان به سازگارگرایی و ضدسازگارگرایی تکامل داروینی با الهیات و خداباوری، آرای برخی از مهم‌ترین نمایندگان این دسته‌های چهارگانه مطرح شده است. داکینز و دنت از گروه ضدسازگارگرایان اتنیستی و علامه طباطبایی از گروه ضدسازگارگرایان خداباور انتخاب شده‌اند. جان هات در گروه سازگارگرایان تفکیکی و شهید مطهری و پلاتینگا نیز در گروه سازگارگرایان خداباور مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پس از بررسی آرای هر گروه و بیان برخی از انتقادات، در پایان، در مورد امکان سازگاری تکامل داروینی (با برخی ویژگی‌های آن مثل انتخاب طبیعی) با الهیات و خداباوری تردیدهایی مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها

تکامل داروینی، داروینیسم، خداباوری، سازگارگرایی، ضدسازگارگرایی، الحاد

۱. مقدمه

تاریخچه تعارض و ناسازگاری باور به خدا و باورهای دینی با دستاوردها و نظریه‌های علمی بسیار طولانی است، گرچه این تعارض پس از ارائه نظریه تکامل زیستی توسط چارلز داروین (۱۸۸۲-۱۸۰۹ م)، و به ویژه آنچه بعد از وی به «داروینیسیم» شهرت یافت، از اهمیت و شدت بیشتری برخوردار شد. در میان هر دو گروه دینداران و خداباوران و ملحدان و خداناباوران، در واکنش به تکامل داروینی، نگرش‌ها و واکنش‌های مختلفی به وجود آمده که در این میان دیدگاه‌های مطلق‌گرا (چه در سوی سازگارگرایان و چه در میان مخالفان آنها) هم در میان خداباوران و هم در میان خداناباوران دیده می‌شود. اما چند نکته مهم در این دیدگاه‌ها حائز تأمل است: آیا همه این دیدگاه‌ها از یک نگرش واحد درباره تکامل داروینی یا داروینیسیم سخن به میان می‌آورند؟ آیا نگرش آنها نسبت به خدا یکسان است؟ آیا تبیین سازگارگرایان با نتایج اجتناب‌ناپذیر نظریه تکامل سازگار است؟

برای بررسی این موضوع، در این مقاله، ۴ گروه را با عنوان «ضد سازگارگرایان اثیستی»، «ضد سازگارگرایان خداباور»، «سازگارگرایان تفکیکی»، و «سازگارگرایان خداباور» نام‌گذاری کرده‌ایم، و در هر دسته با اشاره به برخی دیدگاه‌ها و با تأکید بر آرای یک یا دو نفر از متفکرانی که می‌توان آنها را در آن دسته قرار داد، سازگاری یا ناسازگاری این دو مقوله را مورد بررسی و نقد قرار داده‌ایم. لازم به ذکر است که در هر دسته نیز می‌توان گونه‌شناسی‌های دقیق‌تر و جزئی‌تری داشت که در اصل دسته‌بندی فوق تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

اما قبل از این بحث، توضیح چند مطلب برای درک یکسان و بررسی نهایی دیدگاه‌ها لازم است:

۱. منظور از تکامل داروینی تبیین علمی-زیستی‌ای است که چارلز داروین در کتاب منشأ انواع از تنوع موجودات (در کره زمین) ارائه کرده و سپس آن را دیگران بسط و تفصیل داده‌اند و حتی تفاسیر مختلفی از آن عرضه کرده‌اند. **درخت حیات** (تغییرات تدریجی و تکامل زیستی) و **انتخاب طبیعی** دو محور اصلی این کتاب و نظریه معرفی شده در آن است (Waters, 2003, p. 18). اصل اول، یعنی درخت حیات، خود دوزیر اصل دیگر را در بر می‌گیرد: نخست، جهش انواع، بدین معنا که یک نوع می‌تواند به نوع و یا گونه‌های

دیگر تغییر هویت دهد؛ دوم، ریشه مشترک، بدین معنا که تمامی گونه‌های موجودات — به ویژه حیوانات و نباتات — در ابتدا از چند ریشه و نیای محدود آغاز شده‌اند (Darwin, 1964, p. 484). انتخاب طبیعی نیز علت تعیین‌کننده شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است که در زیست موجودات دیده می‌شود. در حقیقت، از دیدگاه داروین، انتخاب طبیعی مکانیسم تکامل و تغییرات را تبیین‌پذیر می‌کند.

۲. منظور از داروینیسم نظریه یا دیدگاهی فراعلمی است که تبیین همه پدیده‌ها را از طریق تکامل داروینی امکان‌پذیر می‌داند. تبیین پدیده‌های غیرزیستی از قبیل امور دینی، اجتماعی و فرهنگی از طریق تعمیم تکامل داروینی در این دسته جای می‌گیرد.

۳. باور به خدا به عنوان گزاره اصلی سازگار و یا ناسازگار با مفروضات و یا استلزامات تکامل داروینی در نظر گرفته شده است. در عین حال، تلقی از خدا به عنوان موجودی هوشمند و طراح و قادر با تلقی آن به عنوان چیزهایی دیگر از قبیل قوانین طبیعت و مشابه آن تفاوت زیادی دارد، و تعارض و ناسازگاری مورد بحث به تفسیر واقع‌گرایانه از خدا به عنوان موجودی برتر و فاعل هوشمند بازمی‌گردد (خدا در الهیات طبیعی ادیان بزرگ، خصوصاً ادیان توحیدی).

۲. ضدسازگارگرایان اتئیستی (الحادی)

نام افرادی چون ریچارد داکینز (ز. ۱۹۴۱) و دنیل دنت (ز. ۱۹۴۲) بیش از دیگران در این گروه مطرح است. در اینجا، دیدگاه ریچارد داکینز را، به عنوان بهترین و رادیکال‌ترین نگرش ناسازگارگرایی مطلق الهیات و تکامل داروینی، به طور خلاصه بررسی و چند نکته درباره آن مطرح می‌کنیم.

ریچارد داکینز در آثار متعدد خود، به ویژه در کتاب‌های ژن خودپسند، ساعت‌ساز نابینا، و توهم خدا، دیدگاه‌های الحادی خود را بسط داده است. وی، به ویژه در کتاب ساعت‌ساز نابینا، کوشیده است اثبات کند تکامل داروینی پشتیبان مناسب و کاملی برای نفی باور به هر گونه موجود برتر است.

وی به کل‌گرایی و مطلق‌اندیشی در گستره تبیین داروینی معتقد است و امکان تبیین علمی-داروینی همه پدیده‌های زیستی، فرهنگی و اجتماعی را از این طریق میسر می‌داند

(Dawkins, 1986, p. 65). دلیل دنت نیز، با تأکید بر مطلق‌گرایی و کل‌انگاری داروینیسیم، آن را جانشین و مبطل هر گونه باور به موجود برتر و ذی‌شعور می‌داند (Dennett, 2007). این همان چیزی است که از آن به داروینیسیم یاد می‌شود. در حقیقت، تکامل داروینی تبیین علمی‌زیستی داروینی از پدیده‌های زیستی است که با اصل انتخاب طبیعی همراه است، و داروینیسیم گرایش کل‌انگارانه‌ای به تقلیل همه امور به تکامل داروینی است (اعم از زیستی یا غیر آن).

بر اساس آنچه داکینز در نوشته‌های مختلف درباره تکامل و اتیسیسم و خدا‌ناباوری گفته است، استدلال وی را می‌توان چنین بازسازی و بازنویسی کرد:

۱. تنوع و تغییرات موجودات و انواع — چه موجودات فاقد شعور و چه موجودات شعورمند — تبیین‌پذیر است؛

۲. نظریه تکامل تبیین مناسب و کفایت‌آوری برای این تنوع و تغییرات است؛

۳. تبیین علت موجودات و تنوع آنها به موجودی پیچیده، برتر و قدرتمند به نام خدا نیاز ندارد (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۴۵-۴۷).

داکینز معتقد است، اگرچه در فاصله زمانی کوتاه امکان پدید آمدن موجود پیچیده سخت به نظر می‌آید، با کمک مراحل متسلسل و متوالی، امکان تبیین نحوه پدید آمدن موجودات پیچیده از موجودات ساده کاملاً معقول و منطقی به نظر می‌آید (Dawkins, 1986, pp. 7-8). داکینز از عنصر زمان به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی تأییدی این دیدگاه یاد می‌کند و همه پدیده‌های پیچیده و به ظاهر طراحی‌شده و منظم را از طریق زمان طولانی‌ای که در اختیار طبیعت بوده تبیین‌پذیر می‌داند. تا آنجا که می‌گوید تغییر در مراحل تکاملی به قدری ساده است که می‌توان آن را حاصل تصادف دانست. تصادف یا شانس در اینجا در گذر زمان معنا می‌یابد، نه این که واقعاً امری تصادفی تعیین‌کننده باشد. زمان طولانی موجب پدید آمدن انتخاب انباشتی و متراکم می‌شود، و طبیعی است که تأثیر انتخاب انباشتی در تغییر موجودات و گونه‌ها بسیار زیاد باشد. بنابراین، انتخاب انباشتی طبیعت از پیش طراحی‌شده، هدفمند و غایت‌مدار نیست. در حقیقت، طبیعت ساعت‌سازی نایناست (Dawkins, 1986, pp. 21-25). عامل مهم دیگری که در بستر همین زمان طولانی فعالیت می‌کند، انتخاب طبیعی داروینی است. داکینز معتقد است،

انتخاب طبیعی یک ساعت‌ساز نابیناست. این بدان معناست که اگرچه انتخاب طبیعی از قبل طراحی نشده است، در عین حال، کار انتخاب طبیعی به نحوی پیش می‌رود که کاملاً به صورت منظم و طراحی شده دیده می‌شود، گرچه این انتخاب طبیعی هدفی را دنبال نمی‌کند (Dawkins, 1986, pp. 21-25). داکینز، با تأکید بر مسئله نظم در طبیعت، طبیعت را ساعت‌سازی نابینا و بی‌هدف معرفی می‌کند. انتخاب طبیعی وی برای آینده برنامه‌ریزی نمی‌کند، چشم‌انداز ندارد و پیش‌بینی هم نمی‌کند (Dawkins, 1986, p. 5). او محصول انتخاب طبیعی را نیز از جهت نظم و انسجام در سیستم پیچیده آن حیرت‌آور و شگرف می‌داند، اما آن را صرفاً محصول انتخاب طبیعی در طی مراحل تدریجی تکامل می‌داند (Dawkins, 1986, pp. 49-50). در نتیجه، انتخاب طبیعی انباشته در گذر زمان باعث می‌شود موجودات با تغییرات تدریجی و گام‌به‌گام از چیزهای ساده به وجود آیند؛ به نحوی که تغییرات هر نسل نسبت به نسل قبلی به قدری ساده و جزئی است که در کل به صورت تصادفی دیده می‌شود (Dawkins, 1986, p. 63).

داکینز با تأکید بر باور داروین می‌گوید که هیچ سیستم پیچیده‌ای از سیستم غیر پیچیده و بدون تغییرات کوچک متوالی به وجود نیامده است و اگر بتوان چنین چیزی را نشان داد، این نظریه کاملاً رد می‌شود (Dawkins, 1986, p. 91). او خلقت هوش و شعور را نیز با انتخاب انباشتی و تکامل زمانی تبیین‌پذیر می‌داند. به اعتقاد وی انتخاب انباشتی آن قدر توانمند است که باعث پیدایش هوش شود. وی در نهایت انتخاب طبیعی تدریجی کند و انباشتی را علت موجودات و تغییر انواع و گونه‌ها می‌داند (نک. حسینی، ۱۳۹۰).

دیدگاهی که به نام ضدسازگارگرایان اثنیستی (الحادی) نام‌گذاری شد (با تأکید بر آرای داکینز) با چند سؤال جدی مواجه است:

۱. بی‌شک، محور این قبیل دیدگاه‌ها تأکید بر امکان تبیین همه پدیده‌های زیستی و غیرزیستی (فرهنگی، اجتماعی، دینی، الهی، و...) از طریق داروینیسم است. بنابراین، درستی این جمله نزد آنان تردیدناپذیر است: «داروینیسم امکان تبیین همه امور و پدیده‌ها را دارد.» ولی این بسیار فراتر از تکامل زیستی داروینی است. حال سؤال اساسی این است که اگر این نتیجه از تحول زیستی داروین و انتخاب طبیعی به دست آمده باشد، از یک سو تمثیلی است، چنان که داروین نیز از همین راه تکامل داروینی را نتیجه گرفته است (تمثیل

انتخاب مصنوعی و انتخاب طبیعی)، و از سوی دیگر استقرایی و احتمالاتی است، و امکان تعمیم آن به مصادیقی غیر از مصادیق مورد بررسی وجود ندارد، و چنانچه یک قاعده متافیزیکی و یا مفروض علمی-فلسفی است، در این صورت کار برای سنجش درستی و اعتبار آن بسیار دشوار خواهد بود، و غیرعلمی دانستن آن حتماً پیچیده‌تر از فرض وجود خدا است.

۲. برخی معتقدند فرضیه «باور به وجود خدا یا موجود برتر شعورمند» ضرورتاً نقیض باور به اصل علمی «تکامل داروینی» نیست. یعنی اگر تکامل داروینی (زیستی) حتی با انضمام به اصل انتخاب طبیعی (با تفسیر خاص) پذیرفتنی باشد، با باور به یک موجود برتر در تعارض نیست. اما داروینسم (تبیین مطلق‌گرایانه) ضرورتاً با هر گونه باور به یک موجود برتر هوشمند در تعارض است. از سوی دیگر، در حقیقت، باور به یک موجود برتر هوشمند، که دائماً در کار خلق هدفمند است، نیز با آنچه انتخاب طبیعی (نابینا) گفته می‌شود سازگاری ندارد. در این باره در ادامه مقاله بحث خواهد شد.

۳. درباره اصل انتخاب نیز پرسش‌های متعددی وجود دارد. نه داروین و نه داروینست‌ها هیچ تبیینی از این که چرا انتخاب طبیعی چنین ویژگی‌هایی دارد ارائه نمی‌کنند. این معما مورد تأکید داکینز نیز بوده است (Dawkins, 1986, p. 200) و یا آنچه مایکل بیهی با عنوان پیچیدگی‌های تقلیل‌ناپذیر مطرح کرده است با تکامل تدریجی انتخاب طبیعی ناسازگاری دارد. همچنین نگرش‌های جدیدی که تکامل داروینی را بدون انتخاب طبیعی معرفی می‌کند، بر ابهام و نادرستی استنباط مطلق اتنیسم از انتخاب طبیعی و داروینسم می‌افزاید (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۳۷-۳۸).

۳. ضدسازگارگرایان خدا باور

این گروه بیشتر شامل کسانی می‌شود که با تأکید بر نصوص دینی امکان هر گونه سازش خدا باوری با اصول تکامل داروینی را غیرممکن می‌دانند. این گروه تکامل زیستی تأییدشده نزد زیست‌شناسان تکاملی را نیز با هر گونه باور به موجود برتر و خدای شعورمند ناسازگار می‌دانند. روشن است که بر اساس چنین نگرشی، هر گونه تعمیم تکامل داروینی به داروینسم مطلق نمی‌تواند الهیات و باور به خدا را تجویز کند.

در این قسمت، آرای مرحوم طباطبایی (۱۲۸۱-۱۳۶۰ ش) را، به عنوان یکی از

ضدسازگارگرایان مطلق، بررسی خواهیم کرد. بدیهی است چنین نگرشی در میان دینداران و به ویژه نص‌گرایان مذهبی (چه مسیحی و چه یهودی و چه مسلمان) دیده می‌شود.

۱.۳. تحول و تکامل طبیعی

مرحوم علامه طباطبایی تحول تدریجی طبیعت را مورد تأکید آیات قرآنی دانسته و این مسیر را استدلال طبیعی و در حقیقت هدایت عامه موجودات به سوی غایت تکوینی دانسته است. ایشان در تفسیر آیات شریفه ۲۷-۳۹ سوره مبارکه روم چنین گفته است:

پس معلوم می‌شود هر نوع از انواع موجودات مسیر خاصی در طریق استكمال وجود دارند، و آن مسیر هم دارای مراتب خاصی است، که هر یک مترتب بر دیگری است تا منتهی شود به عالی‌ترین مرتبه، که همان غایت و هدف نهایی نوع است، و نوع با طلب تکوینی - نه ارادی - و با حرکت تکوینی - نه ارادی - در طلب رسیدن به آن است، و از همان ابتدا که داشت تکون می‌یافت مجهز به وسایل رسیدن به آن غایت است.

و این توجه تکوینی از آنجا که مستند به خدای تعالی است، نامش را هدایت عام الهی می‌گذاریم، و - همان طور که متذکر شدیم - این هدایت تکوینی در هدایت هیچ نوعی از مسیر تکوینی آن خطا نمی‌رود، بلکه با کمال تدریجی و به کار بستن قوا و ادواتی، که مجهز به آنها است، برای آسانی مسیر، آن را به غایت نهایی سوق می‌دهد. همچنان که فرموده: «ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی» و نیز فرموده: «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی، و الذی اخرج المرعی فجعله غناء احوی». (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۱۶، ص ۲۸۳)

چنین بیانی، حتی بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌های دیگر علامه طباطبایی، نشانگر تبیین ناسازگاری الهیات با تکامل داروینی است، چرا که انتخاب طبیعی و ضرورت انتساب تحول انواع به دو اصل درخت حیات و انتخاب طبیعی هر گونه غایت‌مندی، هوشمندی و طراحی الهی در استكمال و تحول طبیعی را نفی می‌کند.

۲.۳. خلقت انسان

مرحوم علامه طباطبایی در خصوص خلقت انسان و رد نظریه تطور انواع دیدگاه‌های روشنی دارد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود. وی در تفسیر آیه شریفه ۱ سوره مبارکه نساء مراد از

«نفس واحده» را آدم (ع) و مراد از «زوجها» را حوا می‌داند، و به این نکته تأکید می‌کند که همه افراد نوع انسان به این دو فرد منتهی می‌شوند. وی حتی ازدواج فرزندان آدم و حوا را که برادر و خواهر بوده‌اند، بر اساس تشریح الهی تبیین می‌کند و آن را با فطرت انسانی نیز ناسازگار نمی‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۱۴-۲۱۷).

افراد انسان از حیث (حقیقت و جنس) یک واقعیت‌اند و با همه کثرتی که دارند همه از یک ریشه منشعب شده‌اند مخصوصاً از جمله: «و بئ منهما رجالا کثیرا و نساء...» این معنا به روشنی استفاده می‌شود. به طوری که ملاحظه می‌کنید چنین معنایی با این احتمال که مراد از «نفس واحده» و «زوج او» تمامی نر و ماده‌های بشری باشد نمی‌سازد گذشته از این دلیل آن معنا با غرضی که سوره نسا آن را تعقیب می‌کند که بیان گذشت سازگاری ندارد [...]

و از آیه شریفه برمی‌آید که نسل موجود از انسان تنها منتهی به آدم و همسرش می‌شود و جز این دو نفر هیچ کس دیگری در انتشار این نسل دخالت نداشته است (نه حوری بهشتی و نه فردی از افراد جن و نه غیر آن دو) و گرنه می‌فرمود: «و بئ منهما و من غیرهما». با پذیرفتن این معنا دو مطلب به عنوان نتیجه بر آن متفرع می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۱۶-۲۱۷).

همچنین، طبق آیات صریح، خلقت آدم و حوا از خاک بوده است، و تمامی افراد بشر به این دو فرد باز می‌گردند. بنابراین انسان از دیدگاه علامه طباطبایی نوعی مستقل و نه تحول‌یافته از نوعی دیگر (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۲۷). وی همچنین این تفسیر که آدم را در آیات مرتبط به خلقت نوع بشر در نظر بگیریم کاملاً نادرست می‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۲۵).

همان طور که آشکار است، چنین تفسیری نصوص دینی را معنادار و جهان‌شناختی می‌داند و از این رو امکان تفکیک حوزه علم از حوزه دین وجود ندارد. در نتیجه هر گونه سازگاری میان تکامل داروینی (با تأکید بر درخت مشترک حیات و انتخاب طبیعی) و خلقت الهی انسان (دو فرد) امکان‌ناپذیر است.

قابل ذکر است که علامه طباطبایی در اصل صحت تکامل داروینی به لحاظ علمی نیز تردید کرده است و امکان تفسیر آن در عوارض و خصوصیات انسانی (و نه در نوع انسانی)

را محتمل دانسته است (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۲۸). بدیهی است این تفکیک از دقت نظر به تکامل داروینی فاصله زیادی دارد.

در اینجا به سه نکته نیز باید اشاره کرد:

۱. تأکید بر نص‌گرایی دینی و واقع‌گرایی معناشناختی نصوص دینی، در کنار غیراسطوره‌ای و غیرنمادین دانستن متون دینی، راه را برای پذیرش هر نوع تفسیری از تکامل داروینی، به خصوص درباره خلقت انسان، سد می‌کند. از چنین نگرشی انتخاب انسان انتخابی الهی و خاص است و محصول تکامل تدریجی زیستی نخواهد بود.

۲. حتی در مورد انواع غیرانسانی نیز آیات دال بر تدریج آفرینش نمی‌تواند با تکامل زیستی سازگار باشد، چرا که انتخاب الهی اصل تعیین‌کننده انواع و تنوع حیات زیستی است.

۳. اگر انتخاب طبیعی داروین را همان هدایت تکوینی بدانیم، امکان سازگاری وجود دارد، اما چنین تفسیری کاملاً یک قرارداد و توافق زبانی است.

شاید در بین دیدگاه‌های مختلف، نگرش فوق یکی از شدیدترین تعارض‌های ممکن میان علم و دین تلقی شود. از یک سو زبان نصوص دینی واقع‌گرایانه و معنادار حقیقی است. و از سوی دیگر کشفیات ناشی از علم جدید زیست‌شناسی تنوع حیات را به گونه‌ای غیر از آنچه در آن متون آمده است معرفی می‌کند. چنین تعارضی همچنان باقی است و حتی نمی‌تواند به حوزه تفکیک زبان این دو حوزه و یا جداسازی نحوه آفرینش انسان از تحول علمی-زیستی منجر شود.

۴. سازگارگرایان تفکیکی

برخی دیدگاه‌ها در خصوص ارتباط الهیات و خداباوری و تکامل داروینی را به سازگارگرایی تفکیکی نام‌گذاری کرده‌ایم. منظور از این عنوان دیدگاه کسانی است که به نحوی با تفکیک حوزه علم و دین (مستقیم یا غیرمستقیم) در صدد حل این تعارض برآمده‌اند. در اینجا به دیدگاه‌های نسبتاً دقیق‌تر طرفداران تفکیک می‌پردازیم، و از این رو، به نظر راقم این سطور، جان. اف. هات (ز. ۱۹۴۲)، از نظریه‌پردازان حوزه علم و دین، می‌تواند نماینده مناسبی برای چنین نگرشی باشد.

هات معتقد است مسیر زیست‌شناسی تکاملی به نحوی طی شده است که داروینیسیم با ماده‌گرایی (به عنوان یک اصل متافیزیکی و نه روش علمی) همراه شده است، و به همین دلیل هر گونه تلاشی در باور به وجود یک طراح هوشمند دیگر پذیرفتنی و حتی شنیدنی نخواهد بود. هات همین انتقاد را بر حامیان الهیات و به ویژه طرفداران برهان طراحی و نظم نیز وارد می‌کند که آنان نیز همچون داروینیسیت‌ها نظریه تکامل داروینی را کاملاً مبتنی بر پیشفرض ماده‌گرایانه می‌دانند و لذا سازگاری میان الهیات و خداشناسی با تکامل داروینی را غیرممکن می‌شمارند (Haight, 2009, p. 626).

هات معتقد است گرچه علوم تجربی به لحاظ «روش‌شناسانه» کاملاً ماده‌گرا هستند، در عین حال عقیده کسانی که نظریه تکامل را بدون «فلسفه» ماده‌گرایانه بی‌معنا می‌دانند اشتباه میان روش‌شناسی و متافیزیک علوم می‌داند. وی می‌گوید هیچ دلیلی برای این که نشان دهیم تکامل ضرورتاً به ماده‌گرایی می‌انجامد یا بر آن استوار است وجود ندارد، و چنین ادعایی لغزش از روش‌شناسی ماده‌گرایانه به متافیزیک ماده‌گرایانه است (Haight, 2009, p. 628).

به عقیده هات، گرچه به دلیل آنچه ذکر شد، امکان آشتی میان تکامل داروینی و الهیات وجود ندارد، اما دو راه‌حل دیگر در پیش رو است که چنین سازگاری‌ای را امکان‌پذیر می‌کند.

روش اول تفکیک سطوح تبیین علم و دین است، به این معنا که هم زیست‌شناسان تکاملی و هم طرفداران نظریه طراحی هوشمند (ID) امکان تبیین رقیب خود را پذیرا باشند و صبر و خویشتن‌داری لازم را در خود بی‌روانند (Haight, 2009, p. 629). هات می‌گوید طرفداران ID به دنبال آن هستند که بی‌درنگ نظم و طراحی دقیق طبیعت را به طراح هوشمند ربط دهند، و از آن سو زیست‌شناسان تکاملی نیز به دنبال حذف هر گونه طراح و انتساب همه امور به انتخاب کور طبیعی هستند. وی می‌گوید هر دو گروه در اشتباه‌اند. به خصوص آنچه به عنوان تهدید نظریه طراحی هوشمند توسط داروینیسیم گفته می‌شود داده‌های علمی نظریه داروین نیست، بلکه جهان‌بینی ماده‌گرایانه‌ای است که بدان پیوست شده است؛ و الهیات و خداباوری نیز با چالش و مسئله‌ای جدید به نام تکامل داروینی مواجه نشده است، و مسئله شر همواره یکی از مهم‌ترین مسائل و چالش‌ها بوده

است (Haight, 2009, p. 630).

روش دوم برخورد با این موضوع امکان پذیرش تکامل داروینی توسط طرفداران ID است. هات می‌گوید مواجهه الهیات با داروینیسم مفهوم عنایت الهی را عمق می‌بخشد و همچنین انحرافات علمی تکامل داروینی را به ما نشان می‌دهد. وی از امکان انسجام و همراهی علم و دین سخن به میان می‌آورد که بر اساس آن الهیات و نظریه عنایت الهی امکان کامل و نامحدود تبیین علمی را فراهم می‌کند، و از آن سو علم نیز به دنبال تبیین علمی و (نه متافیزیکی) طبیعت و قوانین آن است، قوانینی که به طور مستقل و با اصل عدم قطعیت به پیش می‌رود، و بدین سان مفهوم عنایت الهی و عشق خداوند به آفرینش نیز غنا می‌یابد. بنابراین متألهان باید به دنبال درک جدیدی از عنایت و طراحی هوشمند از طریق و مسیر تکامل داروینی باشند. لذا نه تنها هیچ تعارضی میان آن دو وجود ندارد، و حتی مستقل از یکدیگر نیز نیستند، که مکمل یکدیگر نیز محسوب می‌شوند (Haight, 2009, p. 631). آنچه هات می‌گوید، چه راه‌حل اول و چه راه‌حل دوم، در حقیقت تفکیک حوزه‌های علم و دین از یکدیگر است.

استفان جی گولد نیز یکی از مدافعان شناخته‌شده الگوی استقلال است. وی می‌گوید شبکه یا حوزه علم دنیای تجربی را پوشش می‌دهد، که جهان از چه چیزی ساخته شده (امر واقع)، و چرا این گونه رفتار می‌کند (نظریه)، در حالی که حوزه دین شامل پرسش‌هایی است درباره معنای غایی و ارزش اخلاقی. این دو حوزه با یکدیگر همپوشانی ندارند. در حقیقت، علم و دین محدوده‌های مجزا و روش‌های مخصوص به خود را دارند و هر کدام با توجه به شرایط خاص خودشان می‌توانند داوری شوند. دو قلمروی مجزا وجود دارد و هر یک از طرفین باید از قلمروی دیگری احتراز کند (Haight, 2009, p. 631).

در اینجا نیز به چند مسئله باید توجه کرد:

۱. به نظر راقم این سطور، ادعای تفکیک، چه در حوزه جهان‌بینی و متافیزیک و چه در حوزه زبان، همواره یک توجیه رفتاری در توافق مسالمت‌آمیز اصحاب علم و دین است. البته چنانچه زبان دین را غیر شناختی، غیرواقع‌گرایانه و نمادین صرف بدانیم و از آن سو زبان و حوزه علم را واقع‌نما بدانیم، تفکیک می‌تواند راه‌حل نسبتاً مناسبی برای حل تعارض میان علم و دین باشد.

۲. فلسفه و جهان‌بینی ماده‌گرایانه را با فرض انتخاب طبیعی نمی‌توان از تکامل زیستی داروینی جدا کرد. دلیل این امر نیز روشن است. اصل انتخاب طبیعی، چه روش‌شناسانه و چه به عنوان اصلی متافیزیکی در نظر گرفته شود، جانشین انتخاب الهی و قدرت و فاعلیت خداوند در آفرینش است. این امر به خصوص با توجه به اصل داروینیسم از وضوح بالایی برخوردار است.

۵. سازگارگرایان خدا‌باور

افراد و دیدگاه‌های زیادی در این دسته قابل جایگزینی است. الوین پلانتینگا، ویلیام دمبسکی، مایکل روس، روبین کولینز، پیتر وان اینواگن، مایکل بیپی و حتی متفکرانی چون شهید مطهری در این دسته جای می‌گیرند. در اینجا به اجمال به آرای مرحوم مطهری و پلانتینگا اشاره می‌شود.

شهید مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ ش) با نفی هر گونه ناسازگاری میان تکامل زیستی و خدا‌باوری به چند نکته اشاره می‌کند. وی می‌گوید، به فرض قطعیت این فرضیه، هم آیات قرآنی در نحوه پیدایش انسان را می‌توان به صورت تدریجی تفسیر کرد، که با آن نظریه همخوانی داشته باشد، و هم این که آیات قرآنی درباره داستان آدم را می‌توان نمادین دانست، و هم این که تکامل تدریجی زیستی انسان، گرچه ممکن است با متون دینی ناسازگاری داشته باشد، اما هیچ گونه ضدیت و تعارضی با خدا‌باوری ندارد (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۳). وی در جایی نیز وارد برخی جزئیات نظریه زیستی لامارک و داروین شده است که نه از دقت زیاد تبیین زیستی برخوردار است و نه مسئله اصلی تعارض و یا عدم تعارض الهیات با تکامل داروینی به این مصادیق برمی‌گردد (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۲۱۵).

مطهری می‌گوید دو گروه در اشتباه‌اند. یکی آنهایی که برای دفاع از اعتقاد به خدا با نظریه تبدیل انواع مبارزه کرده و خواسته‌اند ثابت کنند انواع ثابت و دارای ابتدای زمانی است. دیگر آنهایی که برای اثبات ماده‌گرایی و پرهیز از اعتقاد به خدا گفته‌اند که انواع حتماً مبدل شده‌اند. این دو نگرش کمک کرده‌اند که نظریه تبدیل انواع نظریه‌ای کاملاً مادی تلقی شود و از آن برای ضدخدا‌باوری سوءاستفاده شود (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۲۲۰). وی در حقیقت استلزام میان تبدیل انواع و خدا‌باوری و همچنین ثبات انواع و خدا‌باوری را مورد

تردید قرار داده است. او در تأکید بر سازگاری توحید، خداباوری و تکامل چنین می‌گوید:

خود داروین که اصلی به نام «انطباق با محیط» ذکر می‌کند و می‌گوید موجود زنده در هر محیطی که باشد خودش را با محیط منطبق می‌کند، این اصل را به شکلی ذکر کرد که به او اعتراض کردند، گفتند تو از اصل «انطباق با محیط» مانند یک اصل ماوراءالطبیعی سخن می‌گویی و حق هم همین بود، زیرا [این اصل] این مطلب را ثابت کرد که هر موجودی در هر محیطی که هست، حتی بدون آن که خود او بخواهد و اراده کند و بدون آن که خود او تشخیص بدهد، یک نیروی مرموز داخلی وضع اعضا و جوارح و شرایط زندگی او را در داخل طوری می‌سازد که با محیط جدید متناسب باشد، و این یکی از آن رموز عجیب خلقت است، یعنی یکی از رموزی است که نشان می‌دهد اصل هدایت الهی در بطون همه موجودات هست، آن «نور السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» در همه جا هست؛ موجود را در هر شرایطی که قرار بگیرد، به سوی خیر و کمال خودش هدایت می‌کند، بدون آن که خود آن موجود درک کند و بفهمد. (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۶، ص ۵۵۰)

مطهری معتقد است، در هر حال، تکامل زیستی داروین نیازمند اصول ماوراءطبیعی است که بدون آن تبیین کمال تدریجی موجودات امکان‌پذیر نیست و آن عامل ماوراءطبیعی همان اصلی است که الهیون در خصوص نظم و تدبیر و نظام خلقت گفته‌اند (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۲۲۲).

وی خلقت نوع انسان را نیز با آنچه در تکامل زیستی مطرح شده است متضاد نمی‌داند و معتقد است باید بین خلقت نوع انسان و خلقت حضرت آدم فرق گذاشت. «قصه آدم در قرآن کریم هست، ولی به عنوان درس عبرتی است از این که ببینید مثلاً تکبر چه می‌کند که شیطان تکبر کرد. اما خلقت سایر انسان‌ها را به عنوان یک درس توحیدی ذکر می‌کند» (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۲۲۳).

الوین پلانتینگا (ز. ۱۹۳۲) را نیز می‌توان در شمار سازگارگرایان خداباور قرار داد. وی معتقد است با توجه به اصل تکامل و ویژگی‌های سیر تکاملی موجودات، از قبیل قدرت انطباق و تنازع برای بقا، نفی خداباوری و اعتقاد به طبیعت‌گرایی محض امکان تبیین نظام ادراکی انسان را در ایجاد باورهای صادق بسیار کم و ضعیف می‌کند (Plantinga, 2002,)

۱-۵ pp). وی نتیجه می‌گیرد که اصل وجود خدا و تکامل — حتی از نوع تکامل داروینی — احتمال نظام ادراکی انسان را که در آن باورهای صادق تولید می‌شود، بسیار بیشتر از زمانی می‌کند که بخواهیم طبیعت‌گرایی محض را برای نظام ادراکی انسان و تولید باورهای صادق در نظر آوریم.

پلانتینگا در کتاب درگیری حقیقی در کجا قرار دارد؟ به دنبال اثبات این موضوع است که تکامل داروینی با باورهای دینی (باور به خدا در ادیان الهی) تعارض ظاهری و هماهنگی حقیقی دارد، در حالی که بیشترین تعارض میان طبیعت‌گرایی و تکامل داروینی است، به نحوی که با فرض طبیعت‌گرایی، و تکامل زیستی، بسیار نامحتمل است که قوای شناختی ما اعتمادپذیر باشد (Plantinga, 2011). مشابه چنین دیدگاهی را وان اینواگن نیز مطرح کرده است (Van Inwagen, 2010).

در خصوص سازگارگری خدا باور نیز ذکر سه نکته کافی است.

۱. شهید مطهری پس از پذیرش اصل تکامل تدریجی و تحول انواع، آیات قرآنی آفرینش انسان از آدم و حوا را تمثیلی و نمادین دانسته است که نه ایشان و نه مفسران ادیان توحیدی آن را با منطق درون‌دینی سازگار نمی‌دانند.

۲. نکته دقیق‌تر نظریه فوق این ادعاست که نه تکامل داروینی مستلزم طبیعت‌گرایی و به تبع آن نفی خدا باوری است، و نه پذیرش ثبات انواع لزوماً تأیید خدا باوری است. دیدگاه پلانتینگا در تعارض ظاهری خدا باوری و تکامل داروینی نیز به همین معناست. در عین حال، انتخاب طبیعی داروینی (در مقابل انتخاب الهی)، که مستلزم نفی نظام احسن و همچنین نفی جایگاه ویژه انسان در نظام آفرینش است، قطعاً با انتخاب الهی غایتمند و طراحی شده از قبل به خصوص درباره نقش انسان در خلقت ناسازگار است.

۳. به نظر می‌رسد مطهری و حتی پلانتینگا سعی داشته‌اند نشان دهند علم جدید، به رغم همه تحولات و پیشرفت‌ها، نمی‌تواند خود را بی‌نیاز از پیشفرض‌های غیرتجربی بداند. در عین حال، چنین موضوعی، حتی به فرض صحت، نمی‌تواند مسئله سازگاری یا ناسازگاری تکامل داروینی با خدا باوری را نشان دهد.

۶. نتیجه‌گیری

جدول زیر محورهای اصلی و همچنین ملاحظات بنیادین دیدگاه‌های مطرح‌شده را نشان می‌دهد.

| برخی ملاحظات و پرسش‌های اصلی | محورهای اصلی | نماینده | دیدگاه‌های چهارگانه |
|--|---|-----------------------|-----------------------------------|
| <p>۱. چگونه تعمیم تکامل زیستی داروینی به داروینسم تبیین پذیر است؟ آیا این «علمی» است و یا خوداصلی غیرعلمی (فلسفی، متافیزیکی) است؟</p> <p>۲. آیا امکان سازگاری فرآیند تکامل داروینی (حتی با انتخاب طبیعی) با بلور به خدا وجود ندارد؟</p> <p>۳. اصل انتخاب طبیعی از کجا استنباط شده است؟ تمثیل، استقراء، علم تجربی و یا اصلی فراتر از علم؟</p> | <p>۱. تعمیم تکامل زیستی داروینی به همه پدیده‌ها، داروینسم مطلق.</p> <p>۲. تعارض داروینسم (طبیعی) با باور به وجود خدا.</p> <p>۳. انتخاب طبیعی (در مقابل انتخاب فاعل هوشمند) به عنوان عامل اصلی تنوع حیات، درخت حیات و جهش موجودات.</p> | <p>داکینز - دنت</p> | <p>ضدسازگارگرایان اتیستی</p> |
| <p>۱. آیا امکان سازش میان علم و دین در موضوع تکامل داروینی و تبیین کیفیت آفرینش انسان در نصوص دین (اسلام) باقی می‌ماند؟</p> <p>۲. آیا هدایت تکوینی خداوند می‌تواند تدریج آفرینش خود را از طریق انتخاب طبیعی زیستی (داروینی) اعمال کند؟</p> <p>۳. آیا می‌توان این دیدگاه را به تفکیک این دو حوزه فروکاست؟</p> | <p>۱. هدایت عامه الهی، یا همان هدایت تکوینی، در مورد حیات تدریجی و تکاملی است.</p> <p>۲. آفرینش انسان کاملاً انحصاری است و به هیچ وجه با تبیین تکامل زیستی انواع (داروینی) پذیرفتنی نیست.</p> | <p>علامه طباطبایی</p> | <p>ضدسازگارگرایان خداباور</p> |

| | | | |
|---|---|-----------------------------|----------------------------------|
| <p>۱. آیا اصل انتخاب طبیعی و همچنین داروینیسیم مانع این سازگاری نمی‌شود؟</p> <p>۲. آیا تفکیک دو حوزه مذکور جز با غیرشناختی خواندن زبان دین امکان‌پذیر است؟</p> <p>۳. آیا جداسازی تکامل داروینی از فلسفه مادی‌گرایانه به راحتی امکان‌پذیر است؟</p> | <p>۱. فلسفه و جهان‌بینی ماده‌گرایانه، اصلی روش‌شناسانه است، نه مفروضی متافیزیکی، و در نتیجه با تفکیک حوزه علم از دین سازگاری میان آن دو حاصل می‌شود.</p> <p>۲. تکمیل هر دو پروژه توسط یکدیگر و تعمیق الهیات با زیست‌شناسی تکاملی.</p> <p>۳. توصیه به صبر و خویش‌داری در مقابل پذیرش آرای رقیب</p> | <p>جان‌هات</p> | <p>سازگارگرایان تفکیکی</p> |
| <p>۱. آیا چنین تأویلی از نصوص دینی به غیرشناختی بودن زبان دین و غیرواقع‌نما بودن آن منجر نمی‌شود؟</p> <p>۲. آیا انتخاب طبیعی با ویژگی‌های آن با انتخاب الهی و صفات آن در تعارض نیست؟</p> <p>۳. آیا نظام احسن الهی که مبتنی بر طراحی قبلی و غایت‌مندی نظام آفرینش است، با انتخاب طبیعی سازگاری دارد؟</p> | <p>۱. تأویل آیات قرآنی (مطهری) در مورد آفرینش انسان.</p> <p>۲. عدم استلزام طبیعت‌گرایی و تکامل، و الهیات و ثبات انواع (مطهری).</p> <p>۳. تعارض جدی میان طبیعت‌گرایی و تکامل داروینی، عدم تعارض جدی میان الهیات و تکامل داروینی (پلانینگا)</p> | <p>مطهری - پلانینگا</p> | <p>سازگارگرایان خدا‌باور</p> |

با توجه به مباحث فوق و پرسش‌ها و ملاحظات جدی درباره هر کدام از این دیدگاه‌ها،

به نظر می‌رسد امکان سازگاری حقیقی و معنادار میان تکامل زیستی داروینی (بر اساس انتخاب طبیعی و ویژگی‌های آن، یعنی غیرطراحی شده بودن ولی منظم، تدریجی، انباشتی و غیرغایتمند بودن) با فرض خداوندی فاعل و قادر و عالم و غایتمند به سادگی امکان‌پذیر نباشد و دست‌کم یا باید از معناداری حقیقی برخی آیات آفرینش انسان صرف‌نظر کرد، و یا این تعارض را پذیرفت. در عین حال، ناسازگرایان اثیستی هم با پرسش‌های جدی مواجه‌اند که تکامل زیستی به سادگی امکان پاسخ به آنها را فراهم نکرده است.

کتاب‌نامه

- حسینی، سیدحسن، (۱۳۹۰)، «تکامل داروینی و اثیسم»، قیاسات، ش ۵۹.
- طباطبایی، علامه محمدحسین، (۱۳۸۲)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات تبلیغات اسلامی، ج ۴، ۱۶.
- گلشنی، مهدی، (۱۳۶۸)، «برخورد عمیق و فیلسوفانه استاد مطهری با علم جدید»، در حکمت مطهر، سیدحسن حسینی، تهران: دانشکده صدا و سیما، ج ۱.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۲)، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ج ۱، ۴، ۲۶.
- Darwin, Charles (1964), *On the Origin of Species by Means of Natural Selection, or the Preservation of Favoured Races in the Struggle for Life*, London: John Murray, Reprinted in Facsimile with an introduction by Ernst Mayr, Cambridge: Mass. Harvard University Press.
- Dawkins, Richard (1986), *The Blind Watchmaker*. Harmondsworth: Penguin.
- Dennett, D. C. (2007), "Atheism and Evolution" in Michael Martin (ed.), *The Cambridge Companion of Atheism*, pp. 135-48. Cambridge: Cambridge University Press.
- Haight, John F. (2009), "Darwin, Design, and Divine Providence," in Linda Zagzebski, Timothy D. Miller (eds), *Reading in Philosophy of Religion: Ancient to Contemporary*. Blackwell.

- Plantinga, Alvin (2002), "Introduction: Evolutionary Argument against Naturalism". In James Beilby (ed.), *Naturalism Defeated*, pp. 1-12. Cornell: Cornell University.
- Plantinga, Alvin (2011), *Where the Conflict Really Lies, Science, Religion, and Naturalism*, Oxford University Press.
- Van Inwagen, Peter (2010), "Darwinism and Design," in Melvill Stewart (ed.), *Science and Religion in Dialogue*, Blackwell, vol. 2, pp. 825-834.
- Waters, Kenneth (2003), "The Argument in the Origin of Species," in Jonathan Hodge and Gregory Radick (eds.), *The Cambridge Companion to Darwin*, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 116-139.



From Inconsistency to Consistency of Theism and Darwinian Evolution: A Critical Approach to Four Perspectives

*Seyed Hassan Hosseini*¹

Reception Date: 2014/01/11

Acceptance Date: 2014/02/17

In this paper, we present four philosophical approaches and their prominent advocates toward the problem of relationship between Darwinian evolution and theistic beliefs: (1) Atheistic Inconsistency: there is a deep conflict between Darwinian evolution and theism; among atheists, Richard Dawkins and Daniel Dennett could be regarded as the best representatives in this branch. (2) Theistic Inconsistency: A deep conflict could also be seen among theists, M.H. Tabataba'ei's Quranic exegesis is one of the most significant sources in this regard from Islamic side, correspondent to the same in other theistic religions. (3) Theistic Consistency: There is a concord between theism and Darwinian evolution; we have considered Alvin Plantinga and Murtaza Mutahar in this category. (4) Reductionist Consistency: Theism and Darwinian evolution, or science and religion in general, are two different and noncompeting levels of explanation; John Haught advocates such reductionist consistency between science and religion. Having mentioned the four above classes and a few of many representatives of each category and some important questions toward these approaches, we have attempted to show that the alleged consistency between theistic beliefs and Darwinian evolution by the principle of natural selection fails.

Keywords: Darwinian Evolution, Darwinism, Theism, Compatibilism, Incompatibilism, Atheism.

¹ Professor in the Department of Philosophy of Science, Sharif University of Technology, Tehran (hoseinih@sharif.edu)

Contents

| | |
|---|------------|
| Convention-Interpretation Theory of Tabatabaei: An Introduction to Divine Philosophy of Islam | 1 |
| <i>Zoheir Ansarian / Reza Akbarian / Lotfollah Nabavi</i> | |
| The Epistemological Role of Prophets in the Course of Human Knowledge from al-Ghazali's Perspective: The Educational Role... | 25 |
| <i>Mitra (Zahra) Poursina</i> | |
| Realism in William James's Philosophy of Religion..... | 47 |
| <i>Abbas Haj Zeinolabedini / Mohsen Javadi</i> | |
| From Inconsistency to Consistency of Theism and Darwinian Evolution: A Critical Approach to Four Perspectives | 71 |
| <i>Seyed Hassan Hosseini</i> | |
| Ibn Sina's Difficulties on the Adoption or Rejection of Bodily Resurrection..... | 89 |
| <i>Fatemeh Sadeqzadeh</i> | |
| The Existence of God and the Efficacy of Morality..... | 111 |
| <i>Masoud Sadeghi / Asadollah Azhir</i> | |
| A Meditation in Internal Coherency of Mulla Sadra's Philosophical Thought Concerning Human Knowledge of God..... | 131 |
| <i>Mohammad Kazem Forghani / Ali Ghazali Far</i> | |
| Revisiting the Logical Problem of Evil and Swinburne's Greater Goods Theodicy..... | 149 |
| <i>Tavakkol Kouhi Giglou / Javad Danesh</i> | |
| Subscription Form..... | 165 |
| Abstracts (in English) | 175 |

In the name of Allah the compassionate the merciful

PHILOSOPHY OF RELIGION RESEARCH

Biannual Journal of Philosophy of Religion
Vol. 13, No. 1, (Serial 25), Spring & Summer 2015

Publisher: Imam Sadiq (p.b.u.h) University

Director: Hoseinali Sa'di

Editor in Chief: Reza Akbari

Director of Internal Affairs: Sayyed Mohammad Manafiyani

Literary Editor: Mohamad Ebrahim Baset

Director of Executive Affairs: Amir Hossein Mohamadpur

Editorial Board:

Gholamhosein Ebrahimi Dinani (professor)

Reza Akbari (professor)

Ahmad Pakatchi (assistant professor)

Mohsen Javadi (professor)

Mohsen Jahangiri (professor)

Najafqoli Habibi (associate professor)

Sayyed Hasan Sa'adat Mostafavi (professor)

Mohammad Sa'idi Mehr (associate professor)

Boyook Alizadeh (assistant professor)

Ahad Faramarz Qaramaleki (professor)

Mohammad Kazem Forqani (assistant professor)

Reza Mohammadzadeh (associate professor)

Zia Movahhed (professor)

Abdollah Nasri (professor)

Hosein Hooshangi (associate professor)

180 Pages / 200,000 RIS

Imam Sadiq (p.b.u.h) University, Modiriyaat Bridge,
Shahid Chamran Exp. way Tehran, Islamic Republic of Iran
Scientific & Editorial Affairs:

Department of Islamic Philosophy and Kalam, Faculty of Theology

Tel: 88094001-5

Fax: 88385820

www.nameh-i-hikmat.journals.isu.ac.ir

Subscription & Distribution: Office of Magazines

P.O. Box: 14655-159

Fax: 88575025